

دیالوگ ها + ترجمه خودمونی

Come on, Peppy, you're **in the way**.

یالا، پیپی، سر راهی / تووی دست و پاییی.

If it's **in the way**, he moves it!

اگه سر راهه، چابه جاش میکنه.

She died because she was **in the way**!

مرد چون تووی دست و پا بود.

You buy them **on the way** home.

توی مسیر خونه بخرشون.

Well, get dressed. You can tell me about it **on the way**.

خب، لباس بپوش. متونی توی مسیر در موردش بهم بگی.

Can you drop me off **on the way**?

میتوننی منو توی مسیر برسونی؟

Will you **take me back**?

منو قبول میکنی؟ (قبول میکنی برگردم؟)

So please just **take me back**, please.

خب لطفا فقط بذار برگردم، خواهش میکنم.

You can't **take it back**.

نمیتوننی حرفتو پس بگیری.

We can **take it back**.

میتونیم پیشش بگیریم.

I take it back. You're not in trouble.

حرفمو پس میگیرم. توی دردسر نیستی.

Everything is great.

همه چی عالییه.

Everything is going to be fine.

قراره همه چی رو به راه بشه.

Everything is at my house.

همه چی توی خونه من هست.

Um, when Jack came, everything was different.

وقتی جک اومد، همه چی متفاوت بود.

You told me everything was going to be okay!

بهم گفتی قراره همه چی رو به راه بشه.

I thought everything was going great.

فکر کردم همه چی داره عالی پیش میره.

The only thing that matters now are the people we love.

تنها چیزی که الان اهمیت داره کسانی هستن که دوستشون داریم.

That's the only thing you're committed to.

اون تنها چیزییه که بهش متعهدی.

The only thing I said was I wanted to see you.

تنها چیزی که گفتم این بود که میخوام ببینمت.

I suggest you **stand up**.

پیشنهاد میکنم وایسی.

And kill you just as soon as you **stand up**.

و به محض اینکه وایسی میکشنت.

Oh, I just... I **stood up** too fast.

اوه، من فقط... خیلی سریع ایستادم.

I prefer to have **my own** office.

ترجیح میدم دفر خودم رو داشته باشم.

With **my own** eyes, I saw her come.

با چشم های خودم، دیدم که اومد.

I can't kill **my own** father.

من نمیتونم پدر خودم رو بکشم.

I **ain't** never seen this before.

هرگز قبلا چنین چیزی رو ندیده ام.

I **ain't** afraid to die anymore.

دیگه از مردم نمیترسم.

I **ain't** going to kill you.

نمیخواهم تورو بکشم.

So, Sarah, my **darling**, it is your turn.

خب، سارا، عزیزدلم، نوبت تونه.

Sorry, **darling**, but we ain't got a lot of time.

متأسفم، عزیزم، اما وقت زیادی نداریم.

Darling, I'm gonna be late.

عزیزم، دیرم میشه.

It's getting heavier.

داره سنگین تر میشه.

It's getting really late. We should go to sleep.

داره واقعا دیر میشه. باید پریم بخوابیم.

It's getting pretty cold, huh?

داره خیلی سرد میشه، اینطور نیست؟

What do you say I buy you a cup of coffee?

نظرت چیه برات یه قهوه بخرم؟

What do you say we start this meeting?

نظرتون چیه این جلسه رو شروع کنیم؟

Okay. **What do you say**, let's give it a try?

باشه. نظرت چیه، بیا یه امتحانی بکنیم؟

I have to **leave**.

باید برم.

I'm sorry, but I have to **leave**.

متأسفم، اما باید برم.

Dad, I **left** because I started a family, my own family.

پدر، رفتن چون به خانواده تشکیل دادم، خانواده خودم.

I'd like to **walk you home**, Brenda.

میخواهم تا خانه همراهی کنم، برندا.

You're sure you don't want me to **walk you home**?

مطمئن نیمیخواهی تا خانه همراهی کنم؟

Can I **walk you home**?

میتونم تا خانه همراهی کنم؟

But you know what's **on my mind** right now?

اما میدونی الان چه فکر میکنم؟ / میدونی الان چی توی سرمه؟

You are **on my mind** day and night.

روز و شب توی ذهن منی.

Yeah, I'm sorry. I have something else **on my mind**.

بله، متأسفم. به چیز دیگه دارم فکر میکنم.

I have friends, I could **stay with** them.

من دوست و رفیق دارم، میتونم پیشش (اون) بمونم.

Do you wanna **stay with** your brother?

میخواهی با برادرت بمونی؟

But I can't **stay with** you.

اما نمیتونم باهات بمونم.

What's **going on**, buddy?

چه خبره، رفیق؟

Excuse me, can you explain what's **going on** here?

پخشید، میتونی توضیح بدی اینجا چه خبره؟

I don't know what's **going on**.

نمیدونم چه خبره.

It **makes** me learn from my mistakes.

باعث میشه از اشتباهاتم درس بگیرم.

It actually **makes** me love you more.

در واقع باعث میشه تورو بیشتر دوست داشته باشم.

Everything you make **makes** me cry.

هرچی که تو درست میکنی منو به گریه میندازه.

Now, **come on**, Tony. Don't be silly.

حالا، یالا، تونی. احمق نباش.

Don't be scared. **Come on**, it's okay.

تترس. یالا، مشکلی نیست.

Come on, man, just watch me.

یالا، مرد، فقط نگاه کن / فقط مراقبم باش.

I think you **could** write one of them one day.

بمنظرم / فکر میکنم میتونی یه روزی یکی از اونارو بنویسی. (امکانش هست)

You **could** be a real writer someday.

میتونی یه روزی یه نویسنده واقعی بشی.

Maybe you **could** help us, Paul.

شاید بتونی کمکون کنی، پاول.

I **could have** killed him.

میتونستم بکشمش.

You **could have** chosen anyone. Why me?

تو میتونستی هر کسی دیگه رو انتخاب کنی. چرا من؟

You **could have** told me.

میتونستی بهم بگی.